

بررسی تأثیر قرآن بر اشعار غلامرضاخان ارکوازی

اختر سلطانی*

چکیده

هدف این مقاله بررسی تأثیر قرآن بر اشعار شاعر شهیر کرد تبار، غلامرضاخان ارکوازی است. دیوان اشعار غلام رضاخان در میان مردم ایلام و استان‌های کرد زبان هم‌جوار، مشهور است. یکی از دلایل شهرت این شاعر تربیت صحیح خانوادگی و پرورش وی در یک محیط دینی و فراگیری آموزه های قرآن و تأثیر آن بر فکر و اندیشه‌ی وی بوده است.

چون این مقاله در صدد بیان تأثیر قرآن بر اندیشه‌ی شاعر و تبیین محیطی است که در آن پرورش یافته و زندگی فرهنگی، اجتماعی و سیاسی خود را در آن جا گذرانده است؛ از این رو، طبق روش مرسوم با استفاده از مطالعات کتابخانه‌ای و بررسی اسناد موجود و آثار منظوم شاعر، فرایند ابعاد مختلف زندگی وی به اختصار ترسیم شده است. بررسی‌ها نشان می‌دهد غلامرضاخان طی حکمی از سوی حسن خان ابوقداره (نوه‌ی اسماعیل خان) به ریاست کل طایفه‌ی ارکوازی منصوب شده است؛ ولی بعدها مورد خشم و غضب والی پشتکوه قرار گرفته و خان دستور داده او را در غل و زنجیر کنند؛ و در زندان به او سخت گرفته‌اند. در نتیجه، فشار روحی، روانی و جسمی زندان باعث شده که برای تعدیل این سختی‌ها با خدا راز و نیاز کند و حاصل آن اشعار زیبایی است که با الهام از آیات قرآن سروده است.

واژگان کلیدی: غلامرضاخان ارکوازی، اشعار، قرآن، باوه یال، مناجات نامه.

* دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه آزاد اسلامی - واحد علوم و تحقیقات تهران

مقدمه (بیان مسأله و اهمیت موضوع)

قرآن، کتاب تربیت روح و اندیشه‌ی انسان است؛ کتاب تفکر، تدبیر و هدایت انسان به سوی کمال است؛ نسخه‌ی شفا بخشی است که بیماری‌های روحی و اخلاقی را از زندگی فردی و اجتماعی انسان می‌زداید و او را انسانی پاک و با کمال بار می‌آورد. در واقع، معجزه‌ی جاوید و سند حقانیت دین مبین اسلام است (اسرار، ۱۳۷۵: ۵). غلام رضاخان ارکوازی شاعر دلسوخته و درد آشنای عصر والیان ابوقدره با الهام از آیات قرآن، مکنونات قلبی خود را درباره‌ی اوضاع و احوال برهه‌ای از زمان - که می‌زیسته - به نظم درآورده است. اوج زیبایی اثر منظوم شاعر را باید در زلالی اندیشه و راز و نیاز وی با خدای لایزال و چشم و نگاه پاکی که به هدایت و حمایت ائمه‌ی اطهار (علیهم السلام) دوخته، جستجو کرد. می‌دانیم که: زبان کردی فیلی یکی از زبان‌های عمده‌ی جنوب غرب کشور است و مردم این منطقه با آن تکلم می‌کنند. کردی فیلی ادبیات کهن سالی موسوم به ادبیات «گورانی» دارد و شاعران زیادی به این زبان شعر سروده‌اند. غلام‌رضاخان شاخص‌ترین شاعر کرد زبان غرب ایران است که اواخر قرن دوازدهم هجری در ایلام می‌زیسته و میراث ارزشمندی در قالب منظوم از خود به جای گذاشته است. آثاری چون «مناجات نامه»، «باوه یال» و «غربت» از مهم‌ترین میراث جاودانه‌ی او به حساب می‌آیند (سارایی، ۱۳۷۹: ۳۶-۳۷). غلام‌رضا خان بسیاری از اشعار خود را با الهام از قرآن سروده است. این رویکرد نشان می‌دهد که وی با قرآن مأنوس بوده و با شمشیر شعر با حاکمان ظالم عصر خویش به مبارزه برخاسته است. از این رو، بیان مظلومیت‌های شاعر و شیوه‌ی دادخواهی وی، بر ملا کردن چهره‌ی حاکم وقت و نشان دادن قابلیت‌ها و توانمندی‌های شاعر از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

پیشینه‌ی تحقیق

- محمد علی سلطانی (۱۳۶۲) مناجات غلام‌رضا خان ارکزی را تحت عنوان «مناجات نامه‌های جاودان ادب کردی» و از روی قدیمی‌ترین نسخ خطی با مقابله، تصحیح، شرح احوال، حواشی و تعلیقات منتشر کرده است.

- شورای پژوهشی اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی ایلام (۱۳۷۳) کنگره‌ی بزرگداشت غلام‌رضا خان ارکوازی را برگزار کرده است. در کنگره‌ی مزبور، جمع زیادی از استادان دانشگاه‌ها، مدرسان مراکز آموزش عالی، اندیشمندان، صاحب‌نظران، فرهنگ‌دوستان و پژوهشگران از استان‌های کرمانشاه، کردستان، آذربایجان غربی، تهران، خراسان و ایلام پیرامون شخصیت فرهنگی، دینی، ادبی، اجتماعی و سیاسی شاعر، مطالبی را بیان کرده‌اند.

- ظاهر سارایی (۱۳۷۹) نخستین بار به صورت علمی، انتقادی و با ترجمه و شرح تعلیقات به انضمام پاره‌ای توضیحات تاریخی، دیوان غلام‌رضاخان ارکوازی را تحت عنوان «شاعر قله‌های مه آلود» چاپ و منتشر کرده است.

- ویرایش دوم کتاب مزبور شاعر قله‌های مه آلود (۱۳۸۶) با عنوان «دیوان غلام‌رضاخان ارکوازی» به وسیله‌ی سارایی روانه‌ی بازار نشر شده است.

- دبیرخانه‌ی کانون‌های فرهنگی هنری مساجد (۱۳۸۶) همایش تبیین اندیشه‌های دینی و عرفانی غلام‌رضا خان ارکوازی را برگزار کرده است. در همایش مذکور ضمن ایراد پنج سخنرانی، تعداد یازده مقاله درباره‌ی زندگی‌نامه و معرفی افکار و آثار غلام‌رضا خان، سیمای روحانی وی در مناجات، رویکردهای فرهنگی و تربیتی زنده یاد غلام‌رضا خان ارکوازی، تجلی آیات و احادیث در شعر غلام‌رضا خان ارکوازی، ساخت نیایش‌های غلام‌رضا خان ارکوازی، انگاره‌ی‌رهایبی و دقایق فلسفی در دیوان غلام‌رضاخان ارکوازی، مناجات‌نامه‌ی غلام‌رضاخان و اقاول کهن، مباحث کلامی در اشعار غلام‌رضا خان ارکوازی، تأثیر حماسه‌های دینی و شیعی در مناجات‌نامه‌ی غلام رضا خان ارکوازی ارائه شده است.

- تصحیح، ترجمه و شرح «دیوان غلام رضا خان ارکوازی» (۱۳۹۱) باز با اصلاحات جدید و ویرایش کامل به وسیله‌ی همان مؤلف وارد بازار نشر شده و در اختیار علاقه‌مندان قرار گرفته است.

تعاریف و مفاهیم

آیه: چند معنای گوناگون دارد که عبارتند از:

۱. علامت، نشانه؛

۲. جماعت؛

۳. امر عجیب و شگفت آور؛

آیه‌ی قرآن، به تناسب هر یک از معانی فوق، آیه نامیده شده است؛ زیرا:

(الف) هر آیه در قرآن، نشانه‌ی صدق و راستی آورنده‌ی آن و علامت عجز و ناتوانی مخالفان است.

(ب) آیه از جماعتی از حروف، کلمات یا جملات تشکیل شده است.

(ج) هر آیه در همان حد کوتاه و محدود خود از نظر لفظ و مدلول در حد اعجاز قرار دارد و عجیب و شگفت آور است. در یک تعریف کلی می‌توان گفت: آیه عبارتست از: بخشی از حروف، کلمات یا جمله‌یابی که از طریق نقل و روایت حدود آن مشخص نشده است (اسرار، ۱۳۷۸: ۱-۲).

قرآن: واژه‌ی قرآن، در اصل مصدر و به معنای «خواندن» است. بعضی‌ها واژه‌ی قرآن را به معنای «جمع» گرفته‌اند؛ در صورتی که اصل واژه «قرء» به معنای خواندن است. در این صورت می‌توانند بگویند واژه‌ی قرآن به معنای جامع حقایق و فرموده‌های الهی است. هم‌چنین، گفته‌اند: چون سوره‌ها را جمع کرده و آن‌ها را به هم پیوند داده؛ قرآن نامیده می‌شود(همان: ۱۲۴).

زبان کُردی: درباره‌ی زبان کردی کتاب‌ها و مقالات بسیاری نگاشته شده است. آن چه که مشخص است این است که کردها به گویش‌ها و به تعبیر دقیق‌تر، زبان‌های متعددی سخن می‌گویند. این زبان‌ها و گویش‌ها مجموعاً زبان کردی را تشکیل می‌دهند. در سده‌ی اخیر که تحولات اجتماعی و سیاسی بسیاری بر کردها گذشته است، بعضی از این زبان‌ها و گویش‌ها اهمیت بیشتری یافته‌اند؛ چنان که کردی سورانی و کرمانجی تا حد زیاد توانسته‌اند نقش میانجی را در بین زبان‌های کردی ایفا نمایند.

کردی جنوبی: منظور از کردی جنوبی، گونه‌ای از زبان مردم استان‌های ایلام، کرمانشاه، بخش‌هایی از لرستان، شهرستان‌های بیجار و قروه در استان کردستان و مناطقی از کشور عراق هم چون: مندلی، خانقین، بدره و نقاطی از بغداد است.

کردی جنوبی سه شاخه‌ی اصلی دارد. این سه شاخه عبارتند از: کردی ایلامی(فیلی)، کردی کلهری/کرمانشاهی و کردی لکی.

لک‌ها قوم گسترده و پرجمعیتی از کردها هستند که عمدتاً در لرستان، بخش‌هایی از ایلام، کرمانشاه و مناطق دیگر زندگی می‌کنند.

گویش ایلامی و کلهری/کرمانشاهی، از شاخه‌ی کردی جنوبی، بسیار به هم نزدیک‌اند و با اندکی تسامح می‌توان آن‌ها را یگانه شمرد و گویش لکی با اختلافاتی در واژگان و خصایص دستوری، نسبت به آن دو متفاوت‌تر است.

کردهای ایلامی الاصل ساکن عراق، خود را کرد «فیلی» معرفی نموده‌اند و به همین نام، در معادلات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی عراق شرکت کرده‌اند و به این نام شناخته شده‌اند. گاهی این نام(فیلی) به کردی رایج در ایلام نیز اطلاق می‌شود که به نظر می‌رسد، چندان مناسب و دقیق نباشد. فیلی، لقب والیان لر تبار پشتکوه و نام بعضی طوایف لر ساکن لرستان است، و کردهای پشتکوهی ساکن عراق، خود را کرد فیلی می‌گفتند، به این خاطر که در تحت حاکمیت والیان فیلی بودند.

کردهای ایلام، همواره خود را تنها «کُرد» نامیده‌اند و آن را به طایفه و منطقه‌ای خاص محدود نکرده‌اند؛ چنان که سورانی و کرمانجی و کلهری و مانند آن اشاره به طایفه و منطقه‌ی خاصی دارند. (سارایی، ۱۳۹۱: ۴۴-۴۲).

مناجات: نجواکردن با کسی، با خدا راز و نیاز کردن، عرض نیاز به درگاه خدا(معین، ۱۳۸۸: ۱۳۸۴).

مناجات‌نامه: مجموعه‌ای از راز و نیازها که معمولاً شاعران در آن‌ها به تحمید حق، نعت نبی یا منقبت ائمه (علیهم السلام) می‌پردازند. در اشعار کردی، مناجات‌نامه‌ها در قالب مثنوی و بندهای متعدد سروده می‌شوند. مناجات‌نامه‌ی غلام‌رضا خان ارکوازی از برجسته‌ترین نمونه‌های مناجات‌نامه‌سرایی در ادبیات کردی به شمار می‌آید. مناجات‌نامه به اثر منظوم اصلی غلام‌رضا خان ارکوازی که در بیست و چهار بند سروده شده، اطلاق می‌شود. شاعر در مناجات‌نامه، اطلاعات گسترده‌ی خود را از قرآن، حدیث، کلام، تاریخ، اسطوره، باورهای عامیانه و معارف ایلامی اظهار کرده است. در واقع، مناجات‌نامه از حیث زبان و فرم، تحت تأثیر فضای مذهبی حاکم بر شعر بوده است (سارایی، ۱۳۹۱: ۳۱).

روش‌شناسی تحقیق

روش تحقیق پژوهش حاضر توصیفی و از نوع کتابخانه‌ای بوده، و با هدف بررسی تأثیر قرآن بر اشعار غلام‌رضا خان انجام یافته است. در این تحقیق، ضمن مطالعه و بررسی آثار شاعر از قبیل مناجات‌نامه، باوه یال و ... مهم‌ترین حوزه‌ها و زمینه‌های تأثیر پذیری شاعر مورد مطالعه و بررسی قرار گرفته است.

زندگی شاعر

در مورد سال‌های آغازین عمر غلام‌رضا خان و کیفیت بالیدن و پرورش وی اطلاعات دقیقی در دست نیست؛ اما بر پایه‌ی قرائن و شواهد موجود، در محیطی عشایری و میان خانواده‌ای خوش نام، مشهور، بزرگ و اهل خط و کتاب پرورش یافته است و آموزش‌های اولیه نظیر فراگیری خط، روخوانی و درک معانی قرآن و خواندن متون ادبی را در مکتب‌خانه‌ی محل زیست گذرانده است. با این اوصاف، او اطلاعات و دانش بسیاری داشته و می‌توان بر این باور بود احتمالاً که تحصیلاتش را دنبال و تکمیل کرده است. البته، نباید انتظار داشت که او جوانی‌اش را به خواندن و تحقیق سپری کرده باشد، بلکه عمدتاً فعالیت‌هایی متناسب با شئون زندگی در محیطی عشایری و ایلی داشته است.

غلام‌رضا خان ارکوازی شاعری دانا، خوش فکر و از ارادتمندان خاندان پاک پیامبر اکرم (ص) بوده است و اشعار او گواه این مدعاست. او تحت تأثیر حماسه‌های دینی و آموزه‌های اهل بیت و ائمه‌ی اطهار (ع) زندگی کرده است؛ آن‌گونه که بسیاری از داستان‌ها و اساطیری که به امام علی (ع) نسبت داده شده، عین حقیقت پنداشته و با اشتیاق وصف‌ناپذیری به آن‌ها اشاره کرده است. «مناجات‌نامه» ی ۶۱۰ بیتی او که در ۲۴ بند سروده شده نشان می‌دهد که وی به اوضاع زمان خویش آگاه بوده و موضوعات جامعه‌ی آن روز را به خوبی درک می‌کرده و درمان درد جامعه را تنها در بازگویی آن‌ها با خدا و ائمه‌ی اطهار می‌جسته است. البته، «مناجات‌نامه» از معروف‌ترین آثار اوست و بسیار مورد توجه با سوادان و عامه‌ی مردم کرد نشین قرار گرفته است.

همان‌طور که از فحوای کلام شاعر پیداست، ظاهراً بر علوم متداول عصر خویش از قبیل ادبیات فارسی، عربی و کردی، قرآن، هیأت، حدیث، اصول و قصص دارای مطالعه و تأمل بوده است. حیات ادبی شاعر کردی سرای ایلامی، معاصر حکومت فتح‌علی خان قاجار بوده است، وی مشاور حسن‌خان والی پشتکوه بوده؛ ولی پس از مدتی مورد بی‌مهری و بدبینی حاکم واقع شده و در ماه رمضان دستور دستگیری و بازداشت او صادر گردیده است. چنان‌که خود گفته است:

| | |
|------------------------------------|------------------------------------|
| mâh-ə mobârak maxsus-ə dâwar | ماه موبارهک مه‌خسوس داوهر |
| pari mən biyan wa yawmolmahŠar | پەری من بیەن وه یوم المحشر |
| fətur bâr-ə lêw səhur âh-ə sard | فتوور بار لیو، سحوور ئاه سەرد |
| pušâk pus-ə gyân, saringâm ža bard | پووشاک پووس گیان، سهرینگام ژه بەرد |

(دیوان، ۱۹۷ و ۱۹۸)

این مناجات‌نامه را باید شاهکار ماندگاری دانست که در طول دو قرن در میان مردم سینه به سینه می‌گشته و گذشت زمان نه تنها بر آن تأثیر نگذاشته، بلکه ماندگارتر شده است. اشاره شد غلام‌رضاخان ارکوازی، به خاطر تضاد و تعارضی که با حسن‌خان، والی وقت پشتکوه داشت، دستگیر، و مدت‌ها زندانی و شکنجه شده است. شرح زندان و مصائبی که بر وی رفته، در مناجات‌نامه وی مشهود است. او سرانجام موفق به فرار از زندان شده و بقیه‌ی عمرش را در مناطقی خارج از پشتکوه مانند لرستان، کرد و سرپل ذهاب گذرانده و سرانجام همان‌جا به دیار باقی شتافته؛ و طبق اطلاعات معمرین، مطابق رسم معمول جنازه‌اش در نجف اشرف به خاک سپرده شده است. احتمالاً مرگ او در دهه‌ی پنجم یا ششم قرن دوازدهم هجری قمری اتفاق افتاده باشد.

زبان شعری شاعر

زبان مادری شاعر، کردی جنوبی بوده است [۱]. زبان کردی به چهار گویش تقسیم می‌شود که عبارتند از: کرمانجی، سورانی، هورامی و کردی جنوبی که شامل کلهری، فیلی و لکی است در سده‌های پیش، گویش «گورانی» حکم گویش محوری و معیار کردها را داشته است. کردان اکثر مناطق کردنشین اشعار خود را با تأثیراتی که از گویش محلی خود در آن‌جا به جا می‌گذاشتند، به این زبان معیار ادبی کردها شعر می‌سرودند.

این عامل باعث شده است زبان شعری ارکوازی ایلامی و شفیع کلیایی اردلانی و خانای قبادی شهر زوری آن‌چنان به هم نزدیک باشد که اگر پاره‌هایی از اشعار آنان را به هم ترکیب کنی، تمیزشان آسان نخواهد بود. (سارایی، ۱۳۸۶: ۴۶)

اصول اعتقادی شاعر

۱. **توحید:** غلام‌رضاخان ارکوازی در بند (۱) اشعارش به موضوع توحید پرداخته است و صفات و نشانه‌های خداوند را برشمرده و در بندهای دیگر به صفات خداوند اشاره کرده است:

یا «لا لمیزل» بی‌همتای زه‌وال
یا بینای بی‌عیب دارای بولهند مال (دیوان / ۲) *yâ binây bê aÿb, dârây boġand mâġ*
yâlâlam yazal bê hamtâw zawâġ

معنی: ذات اقدس الهی، ازلی و ابدی است و ازلیت و ابدیت بی‌ابتدایش، لایزال و جاویدان است. او بر لایزالی و جاودانگی با «لم» و «لما» تأکید کرده است (سارایی، ۱۳۷۹: ۲۲۸)؛ سپس، بی‌همتایی خداوند را مطرح ساخته و به آیه‌ی شریفه‌ی «وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ» (الاخلاص/ ۴) «هیچ کس مثل و همتای او نیست» اشاره کرده است؛ چرا که «مطابق این آیه، تمام عوارض مخلوقات و صفات آن‌ها و هرگونه نقص و محدودیت، از ذات پاک او مبراست و این همان توحید ذاتی و صفاتی است که در مقابل توحید عددی و نوعی قرار دارد. بنابراین، او نه تشبیهی در ذات دارد، نه ماندنی در صفات و نه مثلی در افعال و از هر نظر بی‌مانند است.» (مکارم شیرازی، ۱۳۸۵: ۱۰۶) و چه زیبا در کلام امام علی(ع) در نهج‌البلاغه اشاره شده است که فرمود: او کسی را نژاد که خود نیز مولود باشد و از کسی زاده نشد تا محدود گردد، ... ماندنی ندارد تا با او همتا گردد و شبیهی برای او تصور نمی‌شود تا با او مساوی باشد (نهج‌البلاغه، خطبه‌ی: ۱۸۶).

یا په‌نای مه‌خلووق سیّ په‌نج سیّ هزار
ته‌بیب مه‌ریز مه‌خفی ناشکار (دیوان، ۳). *tabib-ə mariz maxfi âşəkâr*
yâ panây maxluq sê panj sê hêzâr

پروردگار عالمیان وجودی است که چشم انسان توانایی مشاهده‌اش را ندارد و تجلیات و آفریده‌هایش، نشانه‌ی وجود او هستند.

شاعر در این بیت، آفریده‌ها را مظهر تجلی خداوند دانسته و با ذکر تناقض زیبای «مخفی آشکار» بر ناپیدایی ظاهری خدا و آشکار نمودن مخلوقاتش تأکید کرده است؛ و این چنین مضمون آیه‌ی شریفه‌ی «لَا تُدْرِكُهُ الْأَبْصَارُ وَهُوَ يُدْرِكُ الْأَبْصَارَ وَهُوَ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ» (انعام / ۱۰۳). «چشم‌ها او را درک نکنند و حال آن که او (خداوند) بینندگان را مشاهده می‌کند (درک می‌کند)» اشاره نموده است. به عبارت دیگر، خداوند در عین حضور، از دیدگان غایب است و قابل مشاهده نیست.

یا فہرد واحد، قہ‌بیوم قہ‌ہار
یا عالم غہ‌یب، سپر پووش سه‌تار (دیوان / ۵۴). *yâ âləm-ə qaÿb, sərpuş-ə sattâr*
yâ fard-ə wâhəd, qayyum-ə qahâr

یا سانع سونع، بی‌همتای مه‌عبود
yâ sâne 'e son', bê hamtây ma'bud

یادایم‌الفضل، به‌خشه‌نده‌ئ زیجوود(دیوان / ۸۵). yâ dâyemolfazl, baxšandaÿ zijud

یا قابل‌التوب، غافرالخطا
یا لطیف‌لطف، «واهب‌العطا» (دیوان/۹۱).
yâ qâbəlatawb, qâfərolxatâ
yâ latif-ə lotf, wâhəbolatâ

در این ابیات شاعر به صفات خدا از قبیل: تواب، خالق، عالم، واجب‌الوجود، توانا، بخشنده و... اشاره کرده است. این نکته نشان می‌دهد که او این صفات را صفات ذاتی خدا می‌داند و تجلی حق را در آن‌ها توصیف کرده است. به عنوان نمونه: در ابیات (۲/۳) و (۴/۴) به این نکته اشاره شده است. که خداوند احدی است که آغازی نداشته و توانایی به ذات است که قادر است قلم عفو و بخشش را بر گناهان انسان‌ها بکشد و آن‌ها را مشمول رحمت خویش گرداند. در واقع، به آیه‌ی شریفه‌ی «وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَا تَأْتِينَا السَّاعَةُ^ط قُلْ بَلَىٰ وَرَبِّي لَتَأْتِيَنَّكُمْ عَالِمِ الْغَيْبِ ...» (سبأ/ ۳) « و کافران منکر قیامت گفتند: که هرگز ساعت قیامتی بر ما نمی‌آید. ای رسول به آن‌ها بگو به خدای من قسم که البته می‌آید و او بر غیب جهان آگاه است» اشاره کرده است.

یا حه‌ی قه‌ییوم‌بینائ‌زو‌لجه‌لال
یابی‌چهند و چوون‌بی‌مسل و مسال(دیوان/۸۱).
yâ haÿ-ə qayyun, binâÿ zoljalâl
yâ bê çand-u çun, bê məsł-u məsâl

شاعر در بیت بالا ذات بی‌همتای خدا را که قائم به ذات است، فراتر از امور حسی و عقلانی دانسته؛ به گونه‌ای که با فکر، اندیشه و استدلال عقلی و فلسفی نمی‌توان به ذات او راه یافت یا شباهتی برای او قائل شد. در حقیقت به آیه‌ی «...لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ...» (شوری/ ۱۱) «هیچ چیز مانند او نیست» و «...أَنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ...» (طلاق / ۱۲) «خدا بر هر کاری تواناست» اشاره دارد. در تفسیر مجمع‌البیان، ذیل آیه‌ی دوازده از سوره‌ی طلاق آمده است: «این کارها به خاطر آن است که شما بدانید خدا بر هر چیزی تواناست و دانش و آگاهی او بر هر چیزی احاطه دارد. از این آیه استنباط می‌شود که آفریدگار آسمان‌ها و زمین، هم علم و آگاهی و صف‌ناپذیر و گسترده بر کران تا کران هستی و پدیده‌های گوناگون دارد، و هم قدرت بی‌کران؛ زیرا می‌فرماید: «به یقین خدا بر هر چیزی احاطه دارد و دانش و قدرت بی‌کران او هر چیزی را فرا گرفته است.» (طبرسی، ۱۳۸۰: ۱۰۵۵-۱۰۵۶).

«سَهْلٌ عَنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الْقَاسَانِيِّ قَالَ: كَتَبْتُ إِلَيْهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَنَّ مَنْ قَبَلْنَا قَدِ اخْتَلَفُوا فِي التَّوْحِيدِ قَالَ: فَكَتَبَ عَلَيْهِ السَّلَامُ سُبْحَانَ مَنْ لَا يُحَدُّ و لَا يُوصَفُ، لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ و هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ». سهل می‌گوید: به امام علیه‌السلام نوشتم که معاصرین ما درباره‌ی توحید اختلاف دارند، حضرت نوشت: «منزه باد آن که محدود نباشد و به وصف در نیاید، چیزی مانند او نیست و او شنوا و بینا است.» (کلینی، بی‌تا: ۱۳۷).

نکته‌ی قابل توجه این که غلام‌رضاخان ارکوازی، شاعر کُردی سرای ایلامی، رهایی از زندان والی ستم‌پیشه‌ی وقت را در پیوستن به عشق پایدار و قرآن مجید دیده و به دنبال این بینش، بیابانگرد وادی عشق شده و به سرودن مناجات‌نامه‌ی معروف خویش (که اوج تعالی عرفان و وحدت وجود را نشان می‌دهد) دست یافته است و مانند تشنه‌کامان، روی نیایشگر خود را به سوی معبود کرده و چشمان خویش را به قبله‌ای مطلق ماورای هستی افکنده و این اشعار را در باب توحید و صفات خدای تعالی سروده است. درواقع، شاعر بیشترین تأثیر را از قرآن پذیرفته و پناهگاه معنوی و دژ استوار خویش را در پناه جستن به قرآن جستجو کرده است. ارکوازی با زبان حال خود، معشوق حقیقی را فرا می‌خوانده؛ چون اقیانوس جوشان و خروشان وجودش را در نور دیده و او را به سوی وحدت وجود و پیوستگی با سرچشمه‌ی عشق و عرفان ازلی سوق داده؛ و غرق آیات و نشانه‌های خود گردانده است.

همان طور که اشاره شد، یکی از محورهای عمده‌ی شعر شاعر بحث توحید بوده است. مراتب توحید؛ یعنی توحید ذاتی، توحید صفاتی و توحید افعالی در اشعار او کاملاً نمایان است. در بخش توحید ذاتی، شاعر در اشعار خود از صفات خداوند، لایزال، بیننده، بصیر و عاری از هر نقص و لغزشی سخن گفته است. او با اعتقاد راسخ به یگانگی ذات پروردگار پرداخته است و با تأسی از قرآن کریم «...لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ...» و «وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ» بیان داشته خداوند نه در ذات، نه در صفات و نه در افعال، هیچ کس و هیچ چیز شبیه و مانند او نیست. البته، «کفو» به معنای شبیه و نذیر است (ابن اثیر، ۱۳۶۷ش: ۹۰).

در بحث توحید صفاتی با تأسی از قرآن کریم و روایات معصومین علیه‌السلام از قبیل عدالت، علم و قدرت به صفات خداوند اشاره کرده و معتقد بوده است که صفات پروردگار عین ذات او هستند.

او در بند یک، دو، سه و چهار تنها به بحث توحید و حمد خدای متعال پرداخته که نشان از شناخت شاعر از مسأله‌ی توحید داشته است. غلام‌رضا خان در بحث توحید افعالی همه‌ی امور عالم را ناشی از اراده‌ی الهی دانسته و با دقت در معنای چگونگی افعال انسان به خداوند در چند بیت به این حقیقت مهم اشاره کرده است:

یا فەرد و احد قەبیوم قەهار
یا عالم‌الغیب سەر پووش سەتتار (دیوان / ۵۴)

یا فەرد و احد، بینا ئ بی‌نەزیر
قادر علی کل شی قەدیر (دیوان / ۸۴)

شاعر در این ابیات، با اشاره به آیه‌ی «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» با درک ویژه‌ای، از ترکیب واژگان فرد و واحد، ترکیب جدیدی را ارایه نموده است؛ زیرا کلمه‌ی «واحد» صفتی است که از ماده‌ی وحدت گرفته شده است. چنان که کلمه‌ی واحد نیز وصفی از این ماده است. البته، بین احد و واحد فرق است. کلمه‌ی «احد» در مورد

چیزی و کسی به کار می‌رود که در خارج و ذهن قابل کثرت و تعدد نباشد. برخلاف کلمه‌ی واحد که هر واحدی، در خارج یا در خیال و اسما دومی و سومی دارد. واحد اگر برای آن دومی فرض شود، باز خود همان است و چیزی بر آن اضافه نشده است و شاعر در بیت‌های بالا، واژه‌ی واحد را صفت فرد قرار داده و آن را خاص محبوب حقیقی به کار برده و اختصاص داده است و در مصرع دوم بیت دوم به آیه‌ی «...إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» (بقره/۲۰) «خدا بر هر کاری تواناست» و در مصرع زیر اشاره می‌کند.

یا عالم علم عالمان ده‌هر
 حه‌کووم تاج به‌خش شاهان سه‌روه‌ر (دیوان/ ۸) hakum-ə tājboxŠ Šahân-ə sarwar
 yâ âlām-ə əlmə âlāmân-ə dahr

خداوند بزرگ، سرچشمه‌ی آگاهی و درایت دانشمندان و عالمان است و مقام و موقعیت فرمان‌روایان از آن خداست. شاعر از آیه‌ی «إِنَّ اللَّهَ عَالِمُ غَيْبِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ» (فاطر/ ۳۸) «خدا به اسرار غیب آسمان‌ها و زمین داناست و به افکار و اندیشه‌های دل‌ها هم آگاه است». استنباط زیبایی داشته است. چنان چه امام صادق (ع) فرموده است: «من علم ان الله يراه، و يسمع ما يقول من خير و شر فيحجزه ذلك عن القبيح من الاعمال، فله جنتان» (العروسی؛ ۱۴۱ق: ۷۱۳). «آن کسی که می‌داند خدای آگاه او را در همه حال می‌بیند و آن چه می‌گوید، می‌شنود و آن چه از زشتی و نیکی انجام می‌دهد، می‌داند و این ایمان به خدا و توجه به ذات بی‌همتای او، وی را از دست یازیدن به زشت‌کاری و بیداد باز می‌دارد؛ چنین کسی از مقام پروردگارش می‌ترسد و دو بوستان زیبا و پرطراوت بهشت، برای او است» (طبرسی، ۱۳۸۰: ۳۴۸).

قادر مودیر لهیل چه‌نی نه‌هار
 فه‌زا به‌خش فه‌یز ره‌وزات به‌هار (دیوان/ ۸) qâdər-ə modir layl çani nahâr
 fazâboxŠ-ə faÿz rawzât-ə bahâr

در این بیت، شاعر همه‌ی امور را ناشی از اراده و مشیت خداوند دانسته و معتقد بوده هر پدیده‌ای قائم به ذات حضرت حق است؛ چرا که پروردگار مدیری تواناست و نورانیتش در همه‌ی مخلوقات جاری و ساری است؛ هر مخلوقی آفریده‌ی اوست و به تناسب توانایی‌اش در عالم هستی به‌واسطه‌ی تدبیر بی‌نظیر الهی به ایفای نقش می‌پردازد: «قُلْ هُوَ الْقَادِرُ عَلَىٰ أَنْ يَبْعَثَ عَلَيْكُمْ عَذَابًا مِّنْ فَوْقِكُمْ أَوْ مِنْ تَحْتِ أَرْجُلِكُمْ أَوْ يَلْبَسَكُمْ سِيعًا وَيُذِيقَ بَعْضَكُمْ بَأْسَ بَعْضٍ ۗ لَنْ نُنْظِرَهُ كَيْفَ نَصَرَفُ الْآيَاتِ لَعَلَّهُمْ يَفْقَهُونَ» (انعام/ ۶۵). «بگو او تواناست که بر شما عذاب و بلایی از آسمان یا زمین فرستد یا شما را به اختلاف کلمه و پراکندگی و مخالفت درافکند و بعضی را به عذاب بعضی گرفتار سازد.»

البته، خداوند اسامی زیبایی دارد؛ چنان که هر اسم او مشکل‌گشای هر گره‌ای و هر صفت او شافی هر دردی است. خداوند در قرآن مجید می‌فرماید: «وَلِلَّهِ اسْمَاءُ الْحُسْنَىٰ فَادْعُوهُ بِهَا» قرآن بر این نکته اشاره دارد که خداوند را باید با اسامی زیبایش صدا زد. این اسامی چه از طریق آیات و چه به وسیله‌ی روایات

معصومین علیهم السلام به بندگان خدا رسیده است که با آنها معبود خویش را صدا بزنند. در حقیقت، ذکر این اسامی در اشعار غلامرضا خان، نشان از ارادت خاص او به پروردگار و ائمه‌ی معصومین علیهم السلام داشته است که گاه با لفظ عربی و گاه با معادل فارسی یا کُردی آن را به کار برده است. نظیر بیتی که ذکر شد گاهی شاعر بخشی از ترکیب عربی را آورده است و آن را به جای خداوند، منادا قرار داده یا چون مستتر در آن به کار رفته است؛ به گونه‌ای که در ترکیبات عربی می‌توان منادا قرار گرفتن پروردگار جهانیان را کاملاً حس کرد. به عنوان مثال: در مصراع دوم بیت زیر:

یا ذوالکبریا ذوالعرش مجید
یفعل ما یشاء، یحکم ما یرید (دیوان / ۹۲)

yâ zolkəbriyâ, zolarš-ə majid
yaf'al mâyašâ, yahkom mâ yorid

در بیت بالا شاعر اسامی خاص خداوند را به صورت ویژه به کار برده است. او می‌دانسته که هر اسمی را باید هنگام احساس نیاز به کار برد؛ و به این نکته اشاره کرده است که خداوند، قادر و قاهری است که به انجام هر کاری توانا و عالم است و اشاره‌ای لطیف به آیه‌ی «... قَالَ كَذَلِكَ اللَّهُ يَفْعَلُ مَا يَشَاءُ» (آل عمران / ۴۰)؛ «خداوند هر چه بخواهد انجام می‌دهد» و آیه‌ی «إِنَّ اللَّهَ يَحْكُمُ مَا يُرِيدُ» (مائده / ۱) «هر حکمی را بخواهد مقرر می‌دارد» (العروسی، ۱۴۱۵ ق: ۷۱۳) داشته است.

با نگاهی گذرا به هشت بند اول دیوان شاعر، این نکته به دست می‌آید که وی با شیوه‌های مختلف صفات و اسمای الهی را تکرار کرده و در پایان هر بخش، خواهان رهایی و رستگاری از مشکلات عصر خویش بوده است. در بحث خداشناسی، بیشتر به توحید افعالی پرداخته و معتقد بوده که همه‌ی موجودات نتیجه‌ی فعل خداوند هستند؛ «به گونه‌ای که خداوند در اعمال و رفتار خود مستقل است و هر موجودی را مورد لطف و کمک خویش قرار می‌دهد و به کسی نیازمند نیست» (بهادری، ۱۳۸۵: ۹۰). در حقیقت، زمام امور در دست خداوند است؛ همه‌ی موجودات تحت اقتدار او هستند و در واقع، بخشندگی و کرامت را جزء ذات لایزال خداوند می‌دانسته است.

یا که‌ونه‌ین وه له‌فز «کُن» که‌رده بنیا
یا من لمیزل یزبل الاشیاء (دیوان / ۹۰).

yâ kawnayn wa lafz kon karda binâ
yâ man lamyazal yazilol'ašyâ

شاعر با اشاره به آیه‌ی «و إِذَا قَضَىٰ أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ كُن فَيَكُونُ» (بقره / ۱۱۷)؛ «چون به هر کاری اراده کند فقط به او می‌گوید: باش و بی‌درنگ می‌شود». خلق دو جهان را ناشی از اراده‌ی لایزال الهی می‌دانسته است؛ چرا که او آغاز و انجام همه‌ی مخلوقات است و زوال به ذات لایزالش راهی ندارد.

نور به‌خش جه‌لای شه‌مس وه‌لقه‌مه‌ر
قاضی‌الحاجات مالک مه‌حشهر (دیوان / ۳۷).

nurbaxš-ə jalâÿ šams-ə walqamar
qâziyolhâjât, mâlək-ə mahšar

در این بیت، شاعر ماه و خورشید را که در پرتو انوار خداوندی روشنایی می‌گیرند، مسخر خداوند دانسته و پروردگار را برآورنده‌ی نیازها خوانده؛ و معتقد بوده همه‌ی مخلوقات مرهون منت و احسان خدا هستند و

روز قیامت با درایت و تدبیر او اداره می‌شود. شاعر این نکته را با اشاره به آیهی « هُوَ الَّذِي جَعَلَ الشَّمْسَ ضِيَاءً وَالْقَمَرَ نُورًا وَقَدَرَهُ مَنَازِلَ لِتَعْلَمُوا ... » (یونس/۵) « اوست خدایی که خورشید و ماه و شب و روز به اراده‌ی اوست و با حکمت و مصلحت بی‌مانند آفریده و از هم جدا کرده؛ ... » سروده است.

سه‌فحه‌ی یه‌وم و له‌یل ژه هم سه‌وا کهر safhaÿ yawm-u laÿl ža ham sawâkar
ته‌بیب مه‌ریز مه‌خفی ده‌وا کهر (دیوان/۳۸) tabib-ə mariz, maxfi dawâkar

بیت بالا به آیهی « لَا الشَّمْسُ يَنْبَغِي لَهَا أَنْ تُدْرِكَ الْقَمَرَ وَلَا اللَّيْلُ سَابِقُ النَّهَارِ ... » (یس / ۴۰) « و نه خورشید را سزاست که به ماه فرا رسد و نه شب بر روز سبقت گیرد... » اشاره دارد.

یا مالک مولک مه‌عبود جه‌ببار (دیوان/۵۳) ya mâlak-ə molk ma'bud-ə jabbâr

در مصرع آغازین این بیت، جهان آفرینش را مقهور قدرت و جبروت خداوند دانسته و به آیهی شریفه‌ی « هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْمَلِكُ الْقُدُّوسُ السَّلَامُ الْمُؤْمِنُ الْمُهَيَّمِنُ الْعَزِيزُ الْجَبَّارُ الْمُتَكَبِّرُ ... » (حشر/۲۳) « سلطان مقتدر عالم پاک از هر نقص و آرایش منزه از هر عیب و ناشایست ایمنی بخش نگهبان و غالب و قاهر با جبروت » اشاره کرده است. در اشعار فارسی نیز به این نکته اشاره شده است.

حی و قیوم عالم و قادر رازق خلق و قاهر و غافر (حدیقه‌ی سنایی؛ به نقل از خاتمی، ۱۳۷۶).

آنچه مسلم است آگاهی او درباره‌ی انبیا و امامان معصوم (علیهم‌السلام) و تفسیر و تأویل قرآن، باعث شده که از مفاهیم و پند و اندرزها و الفاظ قرآن به روش‌های گوناگون بهره‌برد و خود را جاودانه کند. حضور واژگان قرآن مانند لوح، قلم، لاتقنط، سدره‌المنتهی، الست، نفع صور و... در اشعار شاعر نشان از فهم و درک اصولی وی از قرآن و اعتقاد راسخ به آموزه‌های دینی داشته است.

هام‌ریز خه‌لوه‌ت، بی‌ه‌متائ لاره‌بب هام‌ریز-ə xařwat, bê hamtâÿ lârayb
پاک و مونه‌زه، موبه‌را جه‌عه‌بب (دیوان/۸۹) pâk-u monazzah, mobarrâ ža aÿb

هه ژه روی نه‌له‌ست تا حال ته‌حریر ha ža roÿ alast tâ hât-ə tahrir
عالمان ئعجاز تو که‌رده‌ن ته‌قریر (دیوان/۲۳۸) âləmân e'jâz-ə to kardan taqirir

هه ژه روی نه‌له‌ست تا وه نه‌فخ سوور har ža roÿ alast tâ wa nafx-ə sur
ژه په‌یغه‌مبه‌ران ئیجاد که‌رده‌ئ نوور (دیوان/۱۲۷) ža paÿqambarân 'ijâdkardaÿ nur

یا ره‌ب سه‌بعه سه‌ما و له‌وح، قه‌له م ya rab-ə sab'a, samaw lawh qalam
یا خالق نه‌رز سه‌بعه تا وه یه‌م (دیوان/۴) ya xâləq-ə arz sab'a tâ wa yam

اشعار فوق با الهام از آیات قرآنی زیر سروده شده‌اند.

«الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ؛ عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ» (علق / ۴ و ۵). « قلم، آفریده‌ی خداوند و وسیله‌ی تعلیم است. »
به همین دلیل، قداست آن در عالم ملکوت، هم ردیف لوح محفوظ است. شاعر در مصرع اول، با ذکر آیه‌ی «
نَّ وَالْقَلَمِ وَمَا يَسْطُرُونَ» (قلم/۱)، « قسم به قلم و به آن چه که خواهد نگاشت » ضمن بزرگداشت قلم،

بینش عقیدتی و فلسفی خود را با واژه‌های لوح و قلم به مخاطبان عرضه کرده، و در مصرع دوم به آیات: «اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ وَمِنَ الْأَرْضِ مِثْلَهُنَّ يَتَنَزَّلُ الْأَمْرُ بَيْنَهُنَّ لِتَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَأَنَّ اللَّهَ قَدْ أَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْمًا» (طلاق / ۱۲) « خداوند آن کسی است که هفت آسمان را آفرید و مانند آن آسمان‌ها را از زمین خلق کرد» و «بَلْ هُوَ قُرْآنٌ مَّجِيدٌ؛ فِي لَوْحٍ مَّحْفُوظٍ» (بروج / ۲۲). « بلکه این کتاب قرآن بزرگوار الهی است که در لوح محفوظ حق نگاشته است» اشاره کرده است.

باب رَه‌حمه‌تت مه‌لجای عبادهن
«لاتقنط» نه روی عباد گوشادهن (دیوان / ۶۰).
bâb-ə rahmatət maljâÿ əbâdan
lâtaqnot, na roy əbâd gošâdan

بیت بالا به آیه ی «... لَا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ» (زمر / ۵۳) «... و هرگز از رحمت بی‌منت‌های خداوند نا امید نباشید. البته، خدا گناهکاران را چون توبه کنند، خواهد بخشید» اشاره کرده است. با این که انسان‌ها راه ناسپاسی و کفران را می‌پیمایند؛ ولی پروردگار به سبب رحمت بی‌انتهایش، پیوسته بندگان را مشمول لطف و رضای خود می‌گرداند و با آموختن توبه و استغفار، بر ضعف انسان‌ها ترحم نموده است. و در بیت دیگر چنین می‌گوید:

توره‌ب ره‌حیم‌ره‌حمه‌ت عامه‌نی
دانای ذوالجه‌لال و الاکرامه‌نی (دیوان / ۱۰۳).
to rab-ə rahim rahmat âmani
dânây zoljalâl walekrâmani

بخشش و احسان و رحمت خداوند، همه‌ی آفریده‌هایش را در برگرفته و هر موجودی به فراخور توان و استعدادش از رحمت فراگیر الهی برخوردار شده است؛ در واقع، به آیه‌ی « فَإِنْ كَذَّبُوكَ فَقُلْ رَبُّكُمْ ذُو رَحْمَةٍ وَاسِعَةٍ ... » (انعام / ۱۴۷) « باران رحمت بی‌حسابش همه را رسیده و خوان نعمت بی‌دریغش همه جا کشیده ...» اشاره شده است [۲].

۲. نبوت

رسالت و نزول پیامبران اولوالعزم (پیامبران تشریحی) مانند: موسی، عیسی، ابراهیم، نوح و محمد؛ و پیامبران تبلیغی مانند: حضرت اسماعیل، اسحاق، یوسف، یعقوب و دیگر پیامبرانی که نام آنان در قرآن آمده، در سراسر اشعار غلام‌رضا خان ارکوازی مورد توجه قرار گرفته است. هم چنین، پذیرش خلافت الهی امام علی (ع) و جانشینی دوازده امام شیعه و خاتم آنان امام مهدی (عج) نشان از عقیده‌ی راسخ او به نبوت و امامت داشته است. اشعار بند ۱، ۲، ۵، ۶، ۷ و به ویژه بند ۸ در تبیین موضوع فوق صراحت دارد.

و عیساو ئنجیل، داود و زه‌بوور
تو خه‌لق خه‌لیل ئاراستی ژه نوور (دیوان / ۴۴).
wa 'isâw enjil, dâwəd-u zabor
to xalq-ə xalil ârâsti ža nur

وهو دوازده ئیمام برگوزیده‌ی ویت
جمع خاسان، گیان توفه‌یل رب‌ت (دیوان / ۴۸).
owaw dəwâzdah êmâm bargozidây wêt
wa jam'-ə xâsân gyân tofayləb rêt

شاعر در این بیت، آیهی شریفه‌ی قرآن را با تمثیلی از داستان‌های پیامبران همراه ساخته است و به داستان سرد شدن آتش بر ابراهیم علیه‌السلام؛ هم چنین، آیهی شریفه‌ی « قُلْنَا يَا نَارُ كُونِي بَرْدًا وَسَلَامًا عَلَيَّ اِبْرَاهِيمَ » (انبیاء/۶۹). «خطاب کردیم که ای آتش برای ابراهیم سرد و سالم باش» اشاره کرده است. آن‌چه مسلم است در «آینه‌ی مناجات‌نامه» سیمای شاعری را می‌بینیم که کرامات انبیاء و اولیای الهی را از صمیم قلب باور ایمان داشته؛ و در واقع، این مناجات‌نامه سند ایمان و باور اوست که بر زبان جاری شده است» (سهراب‌نژاد، ۱۳۸۶: ۶۴). در جای دیگر گفته است:

ثنجیل عیسا، فورقان نه‌حمه‌د
 موحه‌ممه‌د، مه‌حموود، نه‌حمه‌د، موحه‌ممه‌د (دیوان/۱۲۳).

mohammad, ahmad Mahmud , mohammad

وه نایه‌ئ ته‌لقاب ره‌سوول نه‌مجه‌د
 من بعدی اسممه احمد (دیوان/۱۶۰)
 wa âyaÿ alqâb rasul-ə amjad
 ya 'ti men ba'di esmoho ahmad

شاعر در این ابیات خداوند را به کتاب‌های آسمانی انجیل و قرآن و مقام با عظمت پیامبر(ص) قسم داده و با تکرار صامت «م» شکوه و قداست پیامبر را یادآور شده است و به آیهی شریفه‌ی «... وَمُبَشِّرًا بِرَسُولٍ يَأْتِي مِنَ بَعْدِي اسْمُهُ أَحْمَدٌ...» (الصف/۶) «... شما را مژده می‌دهم که بعد از من رسول بزرگواری که نامش (در انجیل) احمد است بیاید...» اشاره کرده است.

شاعر به این نکته به خوبی واقف بوده که سوره‌ی «دهر»، «انسان» یا همان «هل اتی» در شأن اهل بیت پیامبر بزرگ اسلام (ص) نازل شده است. حدیث معروف «لولاک لما خلقت الافلاک» پیام ویژه‌ای دارد، آیت الکرسی و آیه‌ای که در آن «لَا تَقْنَطُوا» آمده، شعاری امیدبخش برای دنیا و آخرت است، آن‌جا که می‌گوید:

«هَلْ أَتَى خَلْعَت لَافْتَى» نه‌وساف
 شیر شجاعه‌ت، مه‌عکه‌ئ مه‌ساف (دیوان/۳۷۲).
 hal atâ xalqat, lâfatâ awsâf
 Šêr-ə Šəjâ't, ma'rəkaÿ masâf

خانه‌زای خالق، عاری ناب و خاک
 خواجه‌ئ هه‌شت به‌پشت، زیبه‌نده‌ی له‌ولاک (دیوان/۱۸۲).

xâjazâÿ hašt bəhəst, zibandaÿ wlâk

«آیه‌الکرسی»، فورقان سانی
 واقف ژه‌ ثلهام‌حه‌ی ره‌بانی (دیوان/۱۸۴).
 âyatolkorsi, forqân-ə sâni
 wâqəf žə əlhâm, haÿ-ə rabâni

ره‌حمه‌تت مه‌لجائ عبادهن
 روی عباد گوشاده‌ن (دیوان/۶۰).
 rahmatə t maljâÿ əbâdan
 lâtaqnot, na roÿ əbâd gošâdan

ستایش‌های شاعر بسیار محرز است، ابیاتی است که در مورد پیامبر عظیم‌الشأن اسلام (ص) سروده است:

وه رتبه‌ئ ره‌وان شائ که‌ونه‌ین وه‌قار
 wa rətbəÿ rawân, Šâÿ kawnaÿn waqâr

bê ta'lim-ə əlm, âləmolasrâr (دیوان / ۱۲۴). بی‌ته‌علیم علم، عالم الاسرار

xosusan xâtam pardanəšinət خسوسه‌ن خاتمه‌م پهرده‌نشینت

hamrâz-u kalim arš-ə barinət هه‌مرآز و که‌لیم ع‌رش به‌رینت (دیوان / ۲۵۷).

wa âyāy alqâb rasul-ə amjad وه‌ ئایه‌ئ ئەلقاب پ‌ه‌سوول ئەمجهد

ya'ti men ba'di esmoho ahmad یأتی من بعدی اسم‌ه احمد (دیوان / ۱۶۰).

شاعر در این سروده با اشاره به آیه‌ی مذکور « یأتی من بعدی اسمُهُ أَحْمَدُ » پیامبر را پادشاهی عظیم‌القدر دانسته که دو جهان از عزت و اعتبار عظیم او برخوردار است؛ وجود شریفی که بدون آن‌که به مدرسه و مکتب خانه‌ای برود، درس بخواند و خطی بنویسد، از همه‌ی رازها و دانش‌ها آگاه است و به آیه‌ی « الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الْأُمِّيَّ الَّذِي يَجِدُونَهُ مَكْتُوبًا ... » (اعراف / ۱۵۷) « آنان که پیروی کنند از رسول (ختمی) و پیغمبر امی که در تورات و انجیلی که در دست آنهاست (نام و نشان و اوصافش را) نگاشته می‌یابند... » اشاره داشته و معتقد بوده است که در عرش برین، پیامبر (ص) هم‌راز و هم‌نشین خداوند است و تنها کسی است که به وصل خداوندی راه یافته است.

معاد

شاعر در بند ۱۴ مناجات نامه به صراحت مقوله‌ی قیامت و جهان آخرت را مورد توجه قرار داده و آن را به عنوان یکی از اصول اعتقادی خود طرح کرده است.

har ža bâwâdam tâ wa nafx-ə sur هه‌ر ژه باو ئاده‌م تا وه‌ نه‌فخ سوور

žə paÿqambarân 'ijâdkardaÿ nur ژه‌ په‌یغه‌مبه‌ران ئیجاد که‌رده‌ئ نوور (دیوان / ۵).

qasim-ə jannat nâr-u saqariâ قه‌سیم جه‌ننه‌ت نار و سه‌قه‌ری

žə paÿqambarân, yaksar awsari ژه‌ په‌یغه‌مبه‌ران یه‌ک‌سه‌ر ئه‌و سه‌ری (دیوان / ۱۲).

و در جای دیگری سروده:

ruhəm harâsân xawf-ə mahšaran رووحم هه‌راسان خه‌وف مه‌حشه‌ره‌ن

tan larzân žə bim nâr-u saqaran تن له‌رزان ژه‌ بیم نار سه‌قه‌ره‌ن (دیوان / ۲۴).

ozn atruš na tars nakir monkaran ئوزن ئەترووش نه‌ ته‌رس نه‌کیر مونکه‌ره‌ن

zəwân lâl žə žəkr alâwakbaran زوان لال ژه‌ زکر، ئەللاو ئەکه‌ره‌ن (دیوان / ۲۵).

شاعر با اشاره به آیه‌ی « یَوْمَ يُسْحَبُونَ فِي النَّارِ عَلَىٰ وُجُوهِهِمْ ذُوقُوا مَسَّ سَقَرَ. » (قمر / ۴۸) « روزی آن‌ها را به صورت در آتش دوزخ افکنند، (و گویند) اینک عذاب خدا را بچشید، » بیان کرده که اطاعت و بندگی ما در خور مقام کبریایی خداوند نیست و از آن سوی هم، طاقت تحمل کیفر نداریم. در چنین وضعیتی، جز اعتراف به گناه و قصور در ایفای وظیفه و پناه بردن به لطف و رحمت او، چاره‌ی دیگری نیست.

نتیجه گیری

در بررسی و جمع بندی کلی آماری که به شکل تصادفی از بندهای ا تا ۴ دیوان به عمل آمد، از مجموع صد بیت، ۵۹ بیت به قرآن، سی مورد به حدیث، هجده مورد به نبوت، سیزده مورد به معاد و ۲۶ مورد به توحید اشاره شده است؛ این بررسی به شکل عینی نشان می‌دهد که غلامرضا خان ارکوازی در «مناجات نامه‌ی» خویش به قرآن اتکال بیشتری داشته است. چون در این مقاله بررسی تأثیر قرآن بر اشعار شاعر مدنظر بوده از این رو، مطالب با استناد به قرآن تدوین شده است و از ذکر احداث خودداری گردیده است.

غلامرضاخان ارکوازی با مطالعه و تفکر در آیات قرآن کریم، توانسته مفاهیم والای کلام الهی و آموزه‌های دینی را در شعر خود جای دهد، و این رویکرد نشان می‌دهد که قرآن در شعر این شاعر گُردی سرا مورد اهتمام و توجه خاص بوده و سعی کرده در تعبیر خود مستقیم و غیرمستقیم از آن سود جوید و همین امر در توفیق او نقش بنیادی داشته است. درک درست از مبانی قرآنی، نگاه خاص توحیدی، ارادت ویژه به اهل بیت پیامبر(ص) به ویژه حضرت علی (ع)، آشنایی با معارف قرآنی و معنوی دین اسلام و مذهب تشیع، گرایش توحیدی و شناخت عالمانه‌ی او به عالم هستی، از جمله مواردی است که غلامرضاخان ارکوازی را به این جایگاه رسانده است.

مطالعه‌ی مناجات‌نامه (میراث شاعر بزرگ گُردی سرای ایلامی) هر خواننده‌ای را به اعتراف و می‌دارد که سراینده‌ی اثر به متن آیات قرآن کاملاً آشنایی داشته و با استفاده‌ی به‌جا و دقیق از آیات قرآن، به محتوای شعر خود غنا بخشیده است.

پی نوشت‌ها

[۱] آثار موجود نشان می‌دهد از قرن دوم هجری تا صد ساله‌ی اخیر، زبان ادبی و شعری مردم کرد، زبانی موسوم به «گورانی» بوده و زبان ادبی و شعری بزرگان اهل حق محسوب می‌شده، و دفترهای مذهبی «سرانجام» به آن نگاشته شده و سابقه‌ی قدیمی ترین اشعار سروده شده به این زبان، قرن دوم هجری بوده است (صفی زاده، ۱۳۷۰: ۶۱).

[۲] صفت رحمن و رحیم، به عنوان صفات باری تعالی، از نظر معنای لغوی یکی نیستند. صفت «رحمان» به رحمت عام شامل دوست و دشمن، مؤمن و کافر و نیکوکار و بدکار اشاره دارد. «باران رحمت بی حسابش همه را رسیده و خوان نعمت بی دریغش همه جا کشیده» و همه‌ی بندگان از مواهب گوناگون حیات بهره مندند و روزی خویش را از سفره‌ی گسترده‌ی نعمت های او برمی گیرند؛ اما «رحیم» به رحمت خاص پروردگار اشاره دارد که ویژه‌ی بندگان مطیع، صالح و فرمانبردار است. در واقع، آن‌ها به حکم ایمان و عمل صالح، شایستگی این را یافته اند که از رحمت و بخشش و احسان خاص او بهره‌مند گردند. در روایتی از امام صادق(ع) می‌خوانیم: «خداوند، معبود همه چیز است؛ نسبت به تمام مخلوقاتش رحمان و نسبت به

مؤمنان رحیم است.» (کلینی، ۱۳۶۵: ۱۱۴). «رحمان» در همه جای قرآن به صورت مطلق آمده که نشانه‌ی عمومیت آن است؛ در حالی که «رحیم» گاه به صورت مقید ذکر شده که دلیل بر خصوصیت آن است، مانند «وَ كَانَ بِالْمُؤْمِنِينَ رَحِيمًا» (احزاب/۴۳) «خداوند نسبت به مؤمنان رحیم است.» و گاهی به صورت مطلق، مانند سوره‌ی حمد. از سوی دیگر، «رحمان» را صیغه‌ی مبالغه دانسته‌اند که خود دلیل دیگری بر عمومیت رحمت اوست و «رحیم» را صفت مشبیه که نشانه‌ی ثبات و دوام و ویژه‌ی مؤمنان است. علاوه بر آن، رحمان از اسماء مختص خداوند است و در مورد بندگان به کار می‌رود؛ چنان‌که درباره‌ی پیامبر (ص) می‌خوانیم: «عَزِيزٌ عَلَیْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَیْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَؤُوفٌ رَحِيمٌ.» ناراحتی‌های شما بر پیامبر گران است و نسبت به هدایت شما سخت علاقه‌مند است و نسبت به مؤمنان مهربان و رحیم می‌باشد» (مکارم شیرازی، ۱۳۸۵: ۸۸).

منابع و مأخذ

- ابن اثیر، محمد جزری، (۱۳۶۷)، النهایه، چاپ چهارم، قم.
- اسرار، مصطفی، (۱۳۷۵)؛ از مفاهیم قرآن؛ چاپ دوم؛ نشر محیا؛ تهران.
- اسرار، مصطفی، (۱۳۷۸)؛ فرهنگ نامه‌ی قرآنی؛ چاپ اول؛ مؤسسه‌ی انتشاراتی میلاد نور، تهران.
- بهادری، محمد جلیل، (۱۳۸۵)، لیسک زه رین، (پرتو طلایی)، چاپ اول، انتشارات صدف، ایلام.
- خاتمی، سیداحمد، (۱۳۷۶)، حدیقه‌ی سنایی، انتشارات الوان، تهران.
- سارایی، ظاهر، (۱۳۸۶)، دیوان غلام‌رضا خان ارکوازی (ویرایش جدید کتاب شاعر قله‌های مه‌آلود)، چاپ دوم، انتشارات رامان، ایلام.
- سارایی، ظاهر، (۱۳۷۹)، شاعر قله‌های مه‌آلود (تصحیح، ترجمه و شرح اشعار غلام‌رضا ارکوازی)، چاپ اول، انتشارات گویه، تهران.
- سلطانی، اختر و ظاهر سارایی، (۱۳۸۹)، «بررسی تطبیقی تأثیر حماسه‌های دینی شیعی بر مناجات‌نامه‌ی غلام‌رضاخان ارکوازی»، ادبیات تطبیقی، شماره‌ی ۱۴.
- سهراب نژاد، علی حسن (۱۳۸۶)؛ سیمای روحانی غلام‌رضا خان ارکوازی در آینه‌ی مناجات (مجموعه مقالات همایش بررسی اندیشه‌های دینی و عرفانی غلام‌رضا خان ارکوازی)، انتشارات رامان، ایلام.
- شورای پژوهشی اداره کل فرهنگ و ارشاد استان ایلام، (۱۳۷۳)؛ مجموعه مقالات برگزیده غلام‌رضا خان ارکوازی ج ۱، بی تا، ایلام.
- صفی‌زاده، صدیق، (۱۳۷۰)، میزوی نه‌ده‌بی کوردی، ج اول، چاپ اول، انتشارات ناجی.
- طبری، شیخ ابوعلی الفضل بن الحسن، (۱۳۸۰)، ترجمه‌ی تفسیر مجمع‌البیان، ترجمه‌ی آقای علی کرمی، انتشارات فراهانی، تهران.

- عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، (۱۴۱۵ ق)، تفسیر نور الثقلین، چاپ چهارم، انتشارات اسماعیلیان، قم.
- قرآن مجید، (۱۳۹۰)، ترجمه ی [آیت الله العظمی] ناصر مکارم شیرازی، چاپ ششم؛ انتشارات اسوه؛ قم.
- کلینی، محمد، (بی تا)؛ اصول کافی، ترجمه و شرح: سیدجواد مصطفوی، دفتر نشر فرهنگ اهل بیت، تهران.
- مجموعه مقالات اولین همایش تبیین اندیشه‌های دینی و عرفانی غلام رضا خان ارکوازی، (۱۳۸۸)؛ با اهتمام شهاب الدین میهن پرست؛ چاپ اول؛ انتشارات رامان؛ ایلام.
- معین، محمد، (۱۳۸۸)؛ فرهنگ فارسی معین، ویرایست دوم؛ چاپ چهارم؛ به اهتمام: عزیزالله علیزاده؛ انتشارات اشجع؛ تهران.
- مکارم شیرازی؛ [آیت الله العظمی] ناصر؛ (۱۳۸۵)؛ تفسیر موضوعی قرآن کریم؛ دفتر نشر معارف، قم.
- نهج البلاغه، (۱۳۸۶)؛ ترجمه ی محمد دشتی، انتشارات ناظرین، قم.

Quran Effect on the poems of GholamReza Arkavazi

Akhtar Soltani

Abstract :

The goal of this article is to study the effect of Quran on poems of Kurd famous poet, GholamReza Arkavazi. Poems of GholamReza Arkavazi are famous among Ilam and people of its neighbor cities. One of the reasons of his reputation is his family righteous raising and growing up in a religious environment and learning Quran courses its effect on his thought .

This article tries to express the effect of Quran on thoughts of this poet and to explain an environment in which he has grown up and in which he has gone through a cultural, social and political life. Therefore, according to the customary method by using library studies and investigation of available documents and his poetry works, the process of his life is showed concisely .

Keywords: GholamReza Arkavazi, Poem, Quran, Yave Yal, Monajat Name.